

## غیبت امام زمان علیه السلام

دوشنبه، ۲۹ / مرداد / ۱۳۵۸

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و على اهل بيته و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

عرض می‌شود که دنباله بحث امامت را دیگر قطع می‌کنیم، دو جلسه درباره اش صحبت کردیم، یکی مسئله غدیر بود و یکی هم مسئله اولی الامر و مقداری هم درباره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چند جمله ای صحبت کنیم که بعد وارد بحث معاد بشویم.

ائمه ما، طبق روایات زیادی که از شخص رسول الله صلی الله علیه و آله نقل شده و بعضی از دانشمندان حدود سیصد حدیث را جمع آوری کرده اند، که تقریباً سیصد حدیث از شخص پیامبر آمده است که فرموده ائمه بعد از من دوازده نفر هستند و آخرین آنها حضرت مهدی علیه السلام است که غائب است و البته در مورد امام زمان در کتابها زیاد نوشته شده است، خود دوستان مطالعه می‌کنید، در کتاب های تعلیقات دینی خودتان درباره امام زمان، درباره مقدمات ظهور، طرحی که امام زمان دارد، تشکیل حکومت جهانی واحد، در این زمینه بحث زیاد است، کتاب خودتان را حداقل مطالعه کردید و کتابهایی هم در این زمینه مطالعه می‌فرمایید، یکی از کتابهای بسیار جالبی که شما می‌توانید در این زمینه مطالعه بفرمایید، کتاب در فجر شاهد، که کتاب خوبی است در این زمینه، البته غرضم این نبود که بهترین کتاب همین است، کتاب خوبی است که شما می‌توانید مطالعه کنید، البته کتاب های خوب زیاد است.

### ۱ - طول عمر امام زمان علیه السلام :

گاهی این سوال مطرح می‌شود که گاهی مسئله طول عمر مطرح می‌شود که امام زمان چطور اینقدر عمرش طولانی است؟ گیری ندارد مسئله طول عمر، در اقیانوس اطلس ماهی پیدا کرده اند که می‌گویند سه میلیون سالش است، مگر وحشت دارد؟ اصولاً خداوند کارهای خارق العاده زیاد کرده است. در همین یکی، دو سال پیش بود در روزنامه اطلاعات کیهان عکس یک نفر را کشیده بودند که تمام اعضایش جا به جاست، قلبش طرف راستش است، نمی‌دانم شش، جگرش، معده اش، همه اندامش جا به جاست و حدود شصت سال هم زندگی کرده و هیچ طوریش نشده است.

شخصی به دنیا آمده که این در مجله دانشمند ظاهراً بود، که اصلش قلبش بیرون بدنش بود، بیرون بدنش قلبش بود و سیم کشی شده بود به داخل و عرض کنم به حضور جنابعالی که افرادی که آفرینش‌های استثنایی در خلقت بوده، افرادی که عمرهای طولانی داشته‌اند، خود قرآن مثلاً درباره حضرت نوح می‌فرماید که نهصد و پنجاه سال در میان مردم فریاد می‌کشید و مبعوث شده بود، البته عمرش بیش از نهصد و پنجاه سال بود، نهصد و پنجاه سال مبعوث شده بود، عمر طولانی محال نیست. و دانشمندان هم اخیراً دنبال دارویی هستند و به کشف دوايي که بتوانند عمر را طولانی کنند. عمر مثل حرکت می‌ماند، برای حرکت می‌شود اندازه‌گیری کرد، می‌شود حرکت می‌تواند خیلی تند باشد و خیلی هم کند باشد، حرکت یک معیاری ندارد که آدم بگوید مرز حرکت چقدر است.

محال نیست عمر طولانی، خداوند اراده کرده است، آن خدایی که یک ماهی خلق می‌کند، سه میلیون سال، آن خدایی که این کرات را در این مدار خاص خودش می‌چرخاند، یک انسانی را به عنوان ولی خودش عمر طولانی به آن می‌دهد، وحشتی ندارد.

## ۲ - غیبت امام زمان عجله الله تعالی فرجه:

و اما چرا ظاهر نیست؟ یک مثال خیلی ساده بزنم برای اینکه همه عمومی معلوم بشود، اگر فرض کنید که یک خیابانی است که شهرداری می‌آید و یک لامپ وصل می‌کند، بچه‌های خیابان می‌آیند و می‌گویند لامپ آمده است در خیابان، برویم و بزنیم بشکنیم، از آن پائین یک تیر می‌زنند، تق می‌زنند و می‌شکنند. باز از طرف اداره برق می‌آیند و می‌گویند چرا لامپ و فلان و یک لامپ دیگر می‌زنند، باز لامپ دوم را هم می‌زنند، اگر ده لامپ هم دادند و بچه‌های محل و یا مردم محل شکستن، باز هم لامپ می‌زند؟ می‌گوید این مردم هنوز متمدن نشده‌اند باید پایشان یک خورده در سنگلاخ‌ها بیفتد، احساس نیاز بکنند و تشنه شوند و وقتی احساس نیاز کردند، تشنه شدند ما برایشان، خداوند وقتی یک لامپی را وصل کرد به نام علی بن ابیطالب، تق زدند و شکستند، لامپ دوم به نام، هر امامی نصب شد مردم آن را کشتند، مردم هنوز آمادگی برای پذیرش شنیدن حق ندارند، بخصوص که اگر برنامه یک برنامه وسیعی باشد که بخواهد یک حکومت جهانی تشکیل دهد، بنابراین باید یک خورده مردم تشنه بشوند.

از امام سوال می‌کنند که چرا امام زمان غائب می‌شود، چون ائمه قبلی همه اش پیام می‌داند و همه اش خبر می‌دادند که از نسل ما شخصی است به نام حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه که غائب است. سوال می‌کردند چرا غائب است، در روایات داریم «وَأَشَارَ بِبِيدهِ إِلَى عُنُقِهِ» (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۵) یعنی همچین می‌کردند که

بیاید می‌کشش، همینطور هم هست. الان افرادی را که یک‌خورده احتمال بدهند که اینها نقشه‌هایی دارند، افکار بالایی دارند، اینها را می‌کشند، بنابراین باید زمینه آماده شود، یعنی همه ایسم‌ها، همه ایدئولوژیک‌ها، باید همه ایدئولوژی‌های انسانی لنگ بماند، پیروی‌ها خنثی شود، ما هر چند روزی عقب یک نفر برویم و ببینیم فایده ندارد، تسلیم بشویم، وقتی تسلیم شدیم، برمی‌گردیم، مثل پسری که با پدرش اختلاف دارند، این پسر همه‌اش ناراحت است و فلان است، یک روز می‌رود خانه این رفیق، یک روز می‌رود خانه آن رفیق، بعد یک چند روزی که خانه رفیقا می‌رود بعد یکی از رفیقا می‌رود دانشگاه، یکی می‌رود مسافرت، و دوباره این پسر برمی‌گردد به خانه، ما فرار کرده ایم از حق، به سوی آزادی. ولی الان که فرار کردیم، الان همین آقایان فرار کرده دو مرتبه برمی‌گردند.

### ۳ - آمدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه و عده الهی است:

امام زمان خواهد آمد و یک حکومت واحد جهانی تشکیل خواهد داد، این وعده خداست، قرآن می‌فرماید، چند تا آیه داریم که می‌فرماید «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ» (قصص / ۵) ما اراده کردیم که مستضعفین حکومت را به دست بگیرند، «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور / ۵۵) خدا وعده داده است به افراد مومن که حکومت را دست اینها بدهد، «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه / ۱۳۲) «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف / ۱۲۸) «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (صف / ۹) دین اسلام بر سراسر هستی و گیتی حکومت کند، بناست حکومت مستضعفین، حکومت متقین، حکومت اسلامی سرتاسر جهان را بگیرد، منتها این آمادگی می‌خواهد، فشارها، ناراحتی‌ها آمادگی می‌خواهد. همین انقلاب ایران به رهبری امام خمینی رحمته الله این مردم تا آماده، این امام، همین امامی بود که هفده سال پیش، شانزده سال پیش هم فریاد می‌کشید اما مردم هنوز آماده نشده بودند، هنوز بعضی می‌گفتند که بابا فلانی خوب است، تقسیم اراضی کرده است، زمین به ما داده است، فلانی خوب است بیمه به ما داده است، فلانی خوب است، هنوز بودند کسانی که تغذیه رایگان در مدارس بود، می‌گفتند آقا واقعاً چقدر دلسوز است، دلش به حال ما می‌سوزد، ما باید گول بخوریم، عقب این و آن برویم، خسته شویم و بفهمیم که همه‌اش کلک است، ما را برای خودمان نمی‌خواستند، ما را برای خودشان می‌خواستند.

فرق است بین کسی که ما را برای خودمان بخواند و کسی که ما را برای خودش بخواند، همه کشاورز، بازاری، دانشجوی، محصل، همه فهمیدند که او اگر تغذیه رایگان، اگر به بچه بیسکویت می‌دهد، و اگر به کشاورز زمین می‌دهد، همه برای این است که ما را برای خودش می‌خواند، ما فهمیدیم، وقتی فهمیدیم تا رهبر انقلاب

اعلامیه داد همه لبیک گفتیم، همه آماده شدیم. همینطور که در انقلاب ایران خسته شده بودیم، آماده شده بودیم، تا پارچه بنزینی نباشد با کبریت آتش نمی‌گیرد، باید پارچه آماده شود و بنزینی شود تا آتش بگیرد. باید کشورها، مکتب‌ها، رهبرها، باید همه امتحان خودشان را بدهند، همه می‌آیند و می‌گویند ما حامی طبقه کارگر هستیم، بعد می‌بینیم همان کشوری که دم از کارگر می‌زند کارگر در آن کشور روسیاه‌ترین کارگرها در تمام کشورهاست، خفقان در آن کشور از همه کشورها بیشتر است، می‌بینی خفقان، فشار، ظلم، همه هست همه هم به اسم طبقه مظلوم، بنابراین باید بشر به سراغ مکتب‌ها برود، سراغ ایدئولوژی‌ها برود، دنبال هر رهبری برود، خسته بشود، آماده بشود، بشر آماده که شد، حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌کند و ما باید منتظر باشیم.

#### ۴ - انتظار آمادگی است:

معنای انتظار هم در صندوق گذاشتن نیست، معنای انتظار آماده است، شما وقتی منتظر مهمان هستی، پذیرایی می‌کنی، اتاق و غذایت را و اینها را آماده باش. و مسئله عمرش هم برای ما حل است، عرض کردم نمونه‌هایی دارد، وقتی خداوند نمونه‌هایی در عمر طولانی قرار داد، دیگر برای ما چیزی نداریم. فقط باید توجه کنیم به آقا و ما به عنوانی که سرباز آن هستیم، گاهی به او سلام کنیم و نگاهی متوجه باشیم که طبق روایات اسلامی کارهای ما زیر نظر ایشان رد می‌شود و یک جوری باشد که آن از ما راضی باشد، یک جمله‌ای را یکی از دوستان آمد و به من گفت و من را تحت تأثیر قرار داد، به من گفت فلانی، گفتم: بله. گفت: امیرالمومنین هر وقت نگاه به مالک اشتر و به ابوذر می‌کرد، لذت می‌برد، آیا حضرت مهدی علیه السلام هر وقت نگاه به شما می‌کند، لذت می‌برد؟ یعنی شما شاگردهای خوبی هستید، شما یاران خوبی هستید، رد شویم. توجه را که باید به آقا داشته باشیم، مسئله‌ای است که باید مورد نظر قرار بگیرد.

دنباله بحث امامت، خیلی بحث‌ها را فشرده می‌گوییم، حالا اینجا یک جمله بگویم برای شما، به یک واعظ گفتند برو بالای منبر و درباره فضایل حضرت علی علیه السلام صحبت کن، این واعظ رفت بالای منبر و گفت: علی بن ابیطالب زهدی داشت،.. علمی داشت،.. تقوایی داشت،.. شجاعتی داشت،.. هی یک صفتی گفت و سوت کرد، و آمد پائین از منبر، گفتند این چه سخنرانی بود؟ گفت آخه شما به من می‌گویید که نیم ساعت درباره حضرت علی علیه السلام بگو، من بیش از یک سوت، هی یک صفت می‌گویم و یک سوت می‌کنم، ما چون بناست که حرف‌هایمان را خیلی خلاصه بگوییم...، عرض کنم که به قول تریاکی‌ها یک مثالی دارند که می‌گویند کم مفید و چسبان، بناست حرفهایی که می‌کنیم و کم و مفید و چسبان باشد و سریع السیر رد بشویم.

## ۵ - یاد مرگ انسان ساز است:

بحث معاد را هم فشرده بگوییم. اصولاً بحث معاد مقدماتی دارد، یکی مسئله، حالا البته این مربوط به درسهایی پیرامون معاد، گاهی اشکال می شود که آقا یاد مرگ ما را از زندگی خودمان هم می اندازد، همه اش می گویند که خواهی مرد، اتفاقاً یاد مرگ، توجه به مرگ نقش دارد در زندگی امروز من، شما اگر متوجه باشی که در آینده برنامه ات چی است، از حالا خودت را آماده می کنی. بازاری ها که می دانند که هفت روز دیگر صد هزار تومان بدهکار هستند از هفت روز قبل پولهایشان را جمع می کنند، مادرانی که دخترهایشان پنج، شش ساله می شود، همینکه دختر پنج، شش سال شد، دیگر کم کم جهازیه اش را آماده می کند، اصولاً توجه به آینده، این خودش آمادگی در امروز به من می دهد، نه اینکه توجه به آینده من را از زندگی امروز هم بیندازد.

یکی از دانشمندان در زمان خفقان، یکی از علما در خفقان رفت بالای منبر و یک سخنرانی خیلی عالی و تند و داغی کرد، آخر منبرش گفت که می دانید چرا من امروز حقایق را گفتم، شروع کرد جنایات رژیم سابق را گفتند، گفت من همه اش می خواستم بگویم، می ترسیدم از شکنجه، می گفتم من را می گیرند و می زنند و فلان، دیشب فکر کردم که مگر عقیده به قیامت نداری، خدا هم که جهنم دارد، خدا هم که شکنجه دارد، اگر روز قیامت بگوید که چرا جنایات طاغوت را نگفتی، من بگویم که خدایا من از شکنجه می ترسیدم، از شکنجه خلق ترسیدی، از شکنجه خالق ترسیدی، من دیشب به فکر معاد افتادم، امروز آمده ام جنایات رژیم را بگویم. ببینید، ایان به معاد روحیه انقلابی می دهد، می سازد انسان را.

## ۶ - توبه:

یکی از بحث های که قبل از معاد است، بحث توبه است، این جوانها و مردم یک مثلی در ذهنشان است، مثلث را بگذار بکشم، فکر جوان ها این است، البته جوان هایی که می گویم بعضی هایشان، دختر و پسر و مرد و همه، می گویند آقا این راه مستقیم را قبول داریم، ولی ما حالا اول زندگیمان است و نمی توانیم آنطوری که اسلامی می گوید راه برویم، ما حالا فعلاً یک خورده اجازه بدهید که آزاد باشیم، از راه مستقیم کج می شویم، قبول داریم کج می شویم، قبول داریم گناه است، بد است، خلاف است، همه را قبول داریم، ولی حالا بگذار اول جوانی ما است، آزاد باشیم، پیر که شدیم، برمی گردیم و آدم خوبی می شویم، این دور نمای فکرشان است که می گویند، راه مستقیم این است ولی حالا به ما اجازه بدهید که آزاد باشیم، راحت باشیم، سر پیری برمی گردیم، آن دو، سه سال آخر عمرمان را خوب می شویم، این مثلث دو، سه تا اشکال هندسی دارد.

یکی اینکه آقا درست است که این راه مستقیم است اما شما وقتی کج می‌شوید، رو به بالا نمی‌روی، وقتی کج می‌شوی، می‌آیی، چی؟ شما چرا کجی را از اینطرف معنا کردی، کجی را سقوط معنا کن و در ثانی سقوط کردی تا اینجا، این خطها آخرش معلوم است، چون آخرش معلوم است، نزدیک کجی آدم کج می‌شود ولی عمر من و شما آخرش معلوم نیست. شما به من بگو تا شصت سالگی عمرت است، به من یک نوشته بده تا خاطر من جمع باشد که تا شصت سال زنده هستی، من هم یک نوشته می‌دهم که آقا شما پنجاه و هشت سال کج برو، آن دو سال آخر را خوب شو، اما یکوقت به امید اینکه تا شصت سال زنده هستی، من هم یک نوشته می‌دهم که آقا شما پنجاه و هشت سال کج برو و آن دو سال آخر خوب شو، اما یک وقت می‌بینی به خیال آنکه تا شصت سال زنده هستی، پنجاه و هشت سال می‌خواهی آزاد باشی، یک وقت می‌بینی ده روز دیگر مردی، پس ببینید این مغلطه می‌کنی، تو عمر را تشبیه می‌کنی به خط، غلط است، خط آخرش معلوم است، ولی عمر آخرش معلوم نیست.

مغلطه دوم وقتی کج می‌شوی، کجی را رو به بلندی معنا می‌کنی، کجی را رو به پائین معنا کن. حالا گیرم توبه کردی، توبه کردی و آمدی تا اینجا، «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ» (کافی، ج ۲، ص ۴۳۵) گیرم توبه کردی و توبه تو هم قبول شد و خدا لغزش تو را بخشید، تازه می‌شوی مثل اول، ولی کسانی که در راه حق هستند، رسیدند به اینجا، تو هنوز سر خانه اول هستی. مثل اینکه یک کسی یک کوچه‌ای را اشتباه می‌رود تا آخر کوچه و بعد می‌فهمد که اشتباه کرده است، برمی‌گردد سر کوچه، شده (کل اول) یعنی یک عمری کار کرد، آخرش هم می‌شود هیچی، اما کسانی که در راه حق هستند، خیلی فرق می‌کند.

یک اشتباه دیگری که وقتی بحث توبه می‌شود، می‌گویند، خیال می‌کنند که خیلی از پدران ما و یا خود ما ممکن است، خیال می‌کنیم که توبه مربوط به پیشمانی است، خدایا من بد کردم، ما چند رقم توبه داریم، گاهی انسان همینکه پیشمان می‌شود، خود پیشمانی مساوی است با توبه، مثل آدم نابینایی که زمانی که چشم داشته خیلی با چشمش خیانت کرده است ولی الان دیگر چشم ندارد، سر پیری می‌گوید خدایا من بد کردم، پیشمان شدم، خوب همین توبه اش است، چون کار دیگری نمی‌تواند بکند. اما گاهی وقتها پیشمان شدم، فایده ندارد، پس چکار کنم؟ هیچی باید پول هم بدهی تا بشود پیشمانی بعلاوه پول مساوی است با توبه. مال مردم را خوردم، درخت مردم را شکستم، توپ گلی را زدم به دیوار سفید جا برداشت، با زغال روی دیوار نوشت فوتبال، والیبال، نمی‌دانم درخت فلان، حیوان را بردم در مزرعه فلان کشاورز چراندم، ظلم کردم، مال مردم را از بین بردم، خوب حالا خدایا من را ببخش، فایده ندارد، باید پول را بدهی تا چی؟

## ۷ - جبران کردن مالی که در کودکی ضایع کردی:

من یک زمانی کوچولو که بودم، حدود ده، یازده سالم که بودم، می‌رفتم دهات کاشان و بعضی از این درختهایی که میوه داشت، سنگش می‌زدیم و گاهی هم شاخه را می‌گرفتیم و به آن آویزان می‌شدیم و تا این شاخه بشکند، بعد هم فرار می‌کردیم، در ذهنم بود که تا پانزده سالم نشده اشکالی ندارد، یک چیزی شنیده بودم که تا پانزده سالگی که آدم به تکلیف نرسیده، می‌گفتم تا پانزده سالم نشده، هر چه می‌توانیم درختها را بشکنیم، شیشه‌ها را بشکنیم، خیلی شر بودم، بعد به تکلیف رسیدیم و آمدیم قم، حدود بیست سال پیش، اول طلبگی ما شروع شد و شروع کردیم درس خواندن و یک روز همینطور که داشتیم کتاب می‌خواندیم، دیدیم مسئله نوشته است که کسانی که مال مردم را تلف کرده‌اند، باید صاحبش را راضی کنند گرچه این طرف در سن کودکی باشد، اه! تا کودکی که ما خیال می‌کردیم طوری نیست، یکبار دیگر بخوانیم، چشم، کسانی که مال مردم را تلف کرده‌اند باید صاحبش را راضی کنند گرچه این تلف کردن در سن کودکی باشد.

حالا مثلاً ما برویم در ده بگوییم ما آقا شاخه درخت تو را شکستیم، خوب زشت است، آدم خجالت می‌کشد، به هر دری زدیم، دیدیم فایده ندارد، خلاصه آقا یک خورده پول برداشتیم و رفتیم آن ده، گفتیم آقا ما چند سال پیش خیال می‌کردیم پانزده سالگی بشکنیم، بریزیم، طوری نیست و الان فهمیدیم که اشتباه کردیم، شما این ده تومان، بیست تومان، سی تومان را بگیر و ما را حلال کن، زحمت شما را از بین بردیم. مال مردم محترم است. کسی که زحمتی کشیده و مالی را به دست آورده است، محترم است مالش و خلاصه گاهی وقتها انسان خیال می‌کند، البته این معلوم باشد، گاهی صحنه‌هایی پیش می‌آید که کسی مال کسی را دزدیده، چاپیده و حالا رویش نمی‌شود که برود و بگوید آقا اینجانب فلانی ما مال شما را دزدیدم، خوب چکار کند؟ از طرفی نگوید، روز قیامت جهنم است، بگوید، باید برود صیغه بخواند که من دزد هستم، اینجا اجازه داده‌اند که آن آدم پول را به صاحبش برگرداند، لازم هم نیست که بگوید که این چه پولی است.

آقا جان شما یک هشتاد تومان را از ما می‌خواهی، آقا چه کردی؟ لازم نیست که بگویی که من دزد هستم ولی مال مردم از هر راهی شده باید به صاحبش رد شود. حتی در یک حدیثی داریم که راهنمایی می‌کند امام که پول و آن مبلغی که از تو می‌خواهد، بینداز در یک ظرف و بنویس که آقا من یک فردی هستم، لازم نیست که شما من را بشناسی، شما این صد و بیست تومان را از من می‌خواهید، با یک کاغذ برایش بفرستی، مثلاً به حسابش واریز کنی، ولی اجمالاً زحمتی که مردم کشیدند و چیزی بدست آورده‌اند مال خودشان است و باید محترم شمرده شود. خلاصه گاهی پشیمانی فایده ندارد، باید پول بدهید. گاهی پشیمان می‌شوم، فایده ندارد، باید

کار بکنم تا بشود توبه. نمازش را بد خوانده، غلط خوانده، بعد معلوم می‌شود که نمازش غلط است، خوب خدایا بد کردم، بله، باید نمازهایی را هم که غلط خواندی از نو بخوانی تا بشود توبه.

بعضی وقتها پشیمانی فایده ای ندارد، باید جان بدهی تا بشود توبه. کشتم یک نفر را و الان پشیمان هستم. خوب بله، تو پشیمانی ولی آنهایی را که کشتی چی؟ باید جانانت را هم بدهی تا بشود توبه. رد شویم. یکی از مسائلی که بد نیست که تذکر بدهیم، مسئله ای است که اولیاء خدا خیلی روی آن تکیه می‌کردند، پیامبران... خودمان که نه، حاکم شهر، مثل اینهایی که مأمور شهر هستند، مأمور شکنجه می‌گویند که آقا من یک نفر کشته ام و الان پشیمان هستم. خوب باشد پشیمان باش ولی پشیمانی فایده ای ندارد. پشیمانی خالی فایده ای ندارد. پس گاهی باید پول داد، گاهی باید کار کرد، گاهی باید جان داد.

#### ۸ - حسن عاقبت و سوء عاقبت:

مسئله دیگری که خیلی مورد توجه اولیاء دین است که باید اشاره کنیم مسئله خوب مردن است، در راه خدا شهید شدن. مسئله خیلی اولیاء دین تکیه می‌کردند که در راه خدا شهید شدند، کسانی که در راه خدا هجرت می‌کنند و در راه هجرت «ثُمَّ يَدْرِكُهُ الْمَوْتُ» (نساء/ ۱۰۰) داریم اولیاء خدا در قرآن می‌گویند «تَوَفَّنِي مُسْلِمًا» (یوسف/ ۱۰۱) خدایا من را در حالی که مسلمان هستم بمیران. «وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ» (آل عمران/ ۱۹۳) روایات زیادی که افرادی، آدم‌های خوبی هستند ولی لحظه مرگ بی دین می‌میرند، آدمهایی هستند، آدمهای خیلی خوبی نیستند ولی لحظه مرگ با دین می‌میرند، این هم یک مسئله ای است که سر جاش در قرآن تکیه شده است. مسئله حسن عاقبت و مسئله سوء عاقبت، عده‌ای با دین می‌میرند و عده‌ای... و واقعاً انسان این صحنه‌ها را می‌بیند، گاهی لذت می‌برد. در همین هفده شهریور یکی از دوستان می‌گفت تیر خورد و یک نفر افتاد در جوب آب، رفتن رفقاییش بیرونش بیاورند، گفت من را ول کنید، بروید قرآن را حفظ کنید. ببینید یک نفر کاسب در لحظه مرگ در خون خودش دست و پا می‌زند و می‌گوید: بروید و قرآن را حفظ کنید، گاهی وقتها اینطوری است و گاهی وقتها هم ممکن است بخاطر دو فلس پول... و این مربوط به این است که چقدر انسان مادی باشد.

این افرادی که خیلی مادی هستند وضع دینشان خطرناک است. یک مثالی برایتان بزنم. دوستان عزیز اگر بنده عینک و ساعت مچی و کت شما را خواسته باشم که بگیرم، اگر چیزی را که شما داری من از شما بگیرم، شما از من ناراحت می‌شوی، و وقت مرگ خدا هر چیزی را که داریم از ما می‌گیرد. بنابراین کسانی که خیلی به دنیا چسبیده‌اند و مادی هستند، لحظه مرگ می‌بینند که همه را باید رها کنند و بروند، خانه، زندگی، زن



و بچه، اینها بسیاریشان با بغض خدا از دنیا می روند، یعنی بی دین ممکن است که از دنیا بروند، این مسئله ای است که وقتی پیامبر به امیرالمومنین می گوید که ماه رمضان می کشند، می گوید: کشتن مهم نیست «أَفِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي» (بحار الانوار/ج ۳۴/ص ۳۳۸) وقتی من را بکشند دین خواهم داشت؟ لحظه مرگ انسان دین داشته باشد و یا لحظه مرگ انسان بی دین باشد، مسئله مهمی است که مورد توجه باید قرار بگیرد.

عرض می شود دلیل معاد را، ما می خواهیم وارد بحث معاد بشویم، این جملاتی که گفتم مقدمه بود، به مناسبت بحث توبه و بحث حسن عاقبت و سوء عاقبت، چند تا تذکر بود همینطور به زبانم آمد که بگویم اما حالا مسئله ای که لازم است که به آن تکیه کنیم، مسئله معاد است، دلیل معاد را در جلسه بعد حتماً تشریف داشته باشید که مطرح کنم. به چه دلیل ما در روز قیامت زنده خواهیم شد و چطور ذرات پخش شده جمع خواهد شد، بحث خوبی است، در جلسه بعد مفصل صحبت خواهیم کرد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته